

باسمه تعالی

عنوان کرسی: جوانگرایی در حکومت امام علی (ع)؛ الگویی برای عدالت اجتماعی (شاخصه ها و معیارها)

ارائه دهنده: حجت الاسلام محمدجواد پردل محسن آباد (پژوهشگر مراکز حوزوی)

ناقد اول: حجت الاسلام علی اکبر ذاکری (عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع))

ناقد دوم: استاد ناصر باقری بیدهندی (عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه)

مدیر کرسی: حجت الاسلام فرهاد پورکیوان (استاد همکار دانشگاه مجازی المصطفی)

مکان: دانشگاه مجازی المصطفی

زمان: سه شنبه (۲۹ آذر ۱۴۰۱)، ساعت ۱۲:۳۰

در این کرسی که با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز گردید، در ابتدا مدیر کرسی با ارائه ضوابط و نحوه مدیریت کرسی به تبیین مسئله پرداختند و سپس از حجت الاسلام پردل به عنوان ارائه دهنده کرسی درخواست نمودند که مطالب خود را ارائه نمایند.

در ادامه، ارائه دهنده حجت الاسلام پردل به بررسی رویکرد مدنظر خویش نسبت به موضوع کرسی پرداختند و موضوع را به شرح زیر بررسی نمودند:

عرض تقدیر و تشکر از مسئولین دانشگاه جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله به خاطر تشکیل این جلسه و تشکر می کنم از ناقدان محترم که کار را مشاهده کرده و با ملاحظات و نقدشون سبب کامل شدن این کار می شوند ، اجازه می خواهم گزارش خود را با بخش هایی از سخن رهبر انقلاب درباره تکیه به جوان ها و معنا و مفهوم و ضرورت جوانگرایی آغاز کنم: جوان در کلام رهبری

یک حوزهی دیگر از تحوّل که ایشان (امام خمینی ره) به وجود آوردند، تحوّل در نگاه به نسل جوان بود؛ نگاه به جوانان. ایشان به فکر و عمل جوانان اعتماد کردند؛ این به معنای واقعی کلمه یک تحوّل بود. یعنی مثلاً فرض کنید سپاه پاسداران که تشکیل شد، ایشان جوانهای بیست و چند ساله را در رأس سپاه پاسداران پذیرفتند که اینها جوانهایی بودند که حداکثر مثلاً سی سال سنّشان بود؛ اینها در رأس سپاه پاسداران، فرماندهان لشکرها و فرماندهان کل بودند؛ اینها همه جوانهایی بودند که

کارهای بزرگ به اینها سپرده شده بود. در زمینه‌های دیگر هم همین جور؛ (دستاوردهای اعتماد به جوانان) در بحثهای قضائی، در جاهای دیگر هم ایشان اعتماد عجیبی به جوانهایی که مورد قبولشان بودند؛ ایشان کارها را محوّل میکردند و به فکر جوان و به عمل جوان اعتماد میکردند. البته در عین اینکه ایشان ظرفیتهای غیر جوان را نفی نمیکردند.

اینکه حالا ما امروز بحث جوان‌گرایی را زیاد مطرح میکنیم، بعضی‌ها تصوّر میکنند که جوان‌گرایی یعنی انسان پیران را بکلی از حوزه خارج کند؛ نه، نظر امام مطلقاً این نبود؛ ایشان به جوانها اعتماد میکردند به عنوان یک ذخیره برای نظام، به عنوان یک ثروت برای نظام، به نیروهای غیر جوان هم به همان اندازه اعتماد میکردند.

خوب مسئله پژوهش (جوان‌گرایی در حکومت امام علی علیه السلام الگویی برای عدالت اجتماعی)

سوال این پژوهش بنده این است که با وجود ملاک‌ها، تخصص‌ها و شرایط مسئولیت حکومتی در یک فرد جوان آیا صرف جوان بودن آن مانع از به‌کارگیری او در بخش‌های کلان حکومتی و مسئولیتی می‌شود یا خیر. اگر اقتضای دادن مسئولیت وجود داشت جوان بودن مانع هست؟

اون جور که از گزارش‌های تاریخی برداشت می‌شود سن در واگذاری مسئولیت در حکومت‌های بعد از حکومت نبوی نقش داشته؟

أبو عُبَيْدِ الْجَرَّاحِ خطاب به امام علی ع می‌گه - بَعْدَ بَيْعَةِ أَبِي بَكْرٍ - لِعَلِّي كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ : يَا بْنَ عَمِّ ، إِنَّكَ حَدِيثُ السِّنِّ ، وَهُؤُلَاءِ مَشِيخَةُ قَوْمِكَ ، لَيْسَ لَكَ مِثْلُ تَجْرِبَتِهِمْ وَمَعْرِفَتِهِمْ بِالْأُمُورِ ، وَلَا أَرَى أَبَا بَكْرٍ إِلَّا أَقْوَى عَلَيَّ هَذَا الْأَمْرِ مِنْكَ ، وَأَشَدَّ احْتِمَالًا وَاضْطِلَاعًا بِهِ ، فَسَلِّمْ لِأَبِي بَكْرٍ هَذَا الْأَمْرَ ؛ فَإِنَّكَ إِنْ تَعَشَّ وَيَطُلُّ بِكَ بَقَاءً فَأَنْتَ لِهَذَا الْأَمْرِ خَلِيقٌ ، وَبِهِ حَقِيقٌ فِي فَضْلِكَ ، وَدِينِكَ ، وَعِلْمِكَ ، وَفَهْمِكَ ، وَسَابِقَتِكَ ، وَنَسَبِكَ ، وَصِهْرِكَ .

این پژوهش زمانی به مقصود خودش نزدیک تر می‌شود که قبل از ورود به بحث بینم که حضرت امیر مومنان آیا به ویژگی جوانان توجه داشته اند یا نه؟

در سخنانشان با واژه‌های «غلام» و «صغر» و «شاب» و «حدّث» و «فتی» قرار دارد نشون ویژگی جوان داشته اند

ویژگی حساس جوان

قال علی علیه السلام: وینتهی طولہ فی ثلاث و عشرين و عقله فی خمس و ثلاثین و ما کان بعد ذلك فبالتجارب (طول قامت فرزند در ۲۳ سالگی و رشد عقلی او در ۳۵ سالگی پایان می‌یابد و هرچه پس از این است در اثر تجربه و آموزش است (روایات هم بین ۲۰ تا ۴۰ سال است مانند عزیر که گفته هو شاب و ابن خمس و عشرين سنه)

(به سوی فرزند ۳۰ سال و امام ۶۰ سال داشتند در نامه ۳۱) إِلَى الْمُؤَلُّودِ الْمُؤَمَّلِ مَا لَا يُدْرِكُ، السَّالِكِ سَبِيلَ مَنْ قَدْ هَلَكَ غَرَضِ الْأَسْقَامِ وَ زَهِينَةِ الْأَيَّامِ وَ رَمِيَةِ الْمَصَائِبِ وَ عَبْدِ الدُّنْيَا وَ تَاجِرِ الْغُرُورِ وَ غَرِيمِ الْمَنَايَا وَ أَسِيرِ الْمَوْتِ وَ حَلِيفِ الْهُمُومِ وَ قَرِينِ الْأَحْزَانِ وَ نُصْبِ الْأَفَاتِ وَ صَرِيحِ الشَّهَوَاتِ وَ خَلِيفَةِ الْأَمْوَاتِ؛ این نامه به فرزندی است آرزومند؛ آرزومند چیزهایی که

هرگز دست‌یافتنی نیست و در راهی گام نهاده است که دیگران در آن گام نهادند و هلاک شدند (و از جهان چشم فرو بستند). کسی که هدف بیماری‌هاست و گروگان روزگار، در تیررس مصائب، بنده دنیا، بازرگان غرور، بدهکار و اسیر مرگ، هم‌پیمان اندوه‌ها، قرین غم‌ها، آماج آفات و بلاها، مغلوب شهوات و جانشین مردگان است. «إِيَّاكَ وَ الْاِتِّكَالَ عَلَى الْمُنَى فَإِنَّهَا بَصَائِعُ النَّوْكَى؛ زنهار از تکیه کردن به آروزها که آرزو، سرمایه کم‌خردان است».

امیر مؤمنان (علیه السلام) نیز می‌فرماید: و فرموده است: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ؛ و دل جوان همچون زمین کشت نشده است. هر چه در آن افکنند، پذیرد».

درمان رابطه جوان با نسل‌های گذشته توصیه حضرت به جوانان با پیشکسوتان و صاحبان تجارب: لِيَسْتَقْبِلَ بِحَدِّ رَأْيِكَ مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ كَفَاكَ أَهْلُ التَّجَارِبِ بُعِيَّتَهُ وَ تَجْرِبَتَهُ فَتَكُونَ قَدْ كُفَيْتَ مَثُونَةَ الطَّلَبِ وَ عَوْفِيَّتَ مِنْ عِلَاجِ التَّجْرِبَةِ فَاتَاكَ مِنْ ذَلِكَ مَا قَدْ كُنَّا نَأْتِيهِ وَ اسْتَبَانَ لَكَ مَا رَبُّمَا أَضْلَمَ عَلَيْنَا مِنْهُ؛ با تصمیم جدی به استقبال اموری بشتاب که اندیشمندان و اهل تجربه زحمت آزمودن آن را کشیده‌اند و تو را از تلاش بیشتر بی‌نیاز ساخته‌اند. بنابراین آنچه از تجربیات آن‌ها نصیب ما شده، نصیب تو هم خواهد شد؛ بلکه شاید پاره‌ای از آنچه بر ما مخفی مانده، به مرور زمان بر تو روشن گردد.

وَ اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّ أَحَبَّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِهِ إِلَيَّ مِنْ وَصِيَّتِي تَقْوَى اللَّهِ وَ الْاِقْتِصَارُ عَلَى مَا فَرَضَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ وَ الْاِخْتِصَارُ بِمَا مَضَى عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ مِنْ آبَائِكَ وَ الصَّالِحُونَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ؛ بدان ای فرزند که بهترین و محبوب‌ترین چیزی که از این اندرز فرا می‌گیری، ترس از خداست و اکتفا به آنچه بر تو واجب ساخته و گرفتن شیوه‌ای که پیشینیان، یعنی نیاکان و نیکان خاندانت، بدان کار کرده‌اند.

در سایر احادیث حضرت :

«جَهْلُ الشَّابِّ مَعْدُورٌ وَ عِلْمُهُ مَحْقُورٌ؛ ناآگاهی جوانان پذیرفته و آگاهی و دانش آنان ناچیز است».

و می‌فرماید: «رای و تدبیر پیر نزد من بهتر از چالاک‌ی جوان (در میدان نبرد) است.

در روایت دیگری آمده است: از جنگجویی جوان بهتر است؛ «رَأَى الشَّيْخَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ جَلْدِ الْغُلَامِ وَ رَوِيَ «مِنْ مَشْهَدِ الْغُلَامِ»». خصوصیت جنگ جویی و نشاط جوان را

تصویر به کارگزار خود دارد امام علی (ع): «إِذَا احْتَجَّتْ إِلَى الْمَسُورَةِ فِي أَمْرٍ قَدْ طَرَأَ عَلَيْكَ فَاسْتَبَدِهِ بِبِدَايَةِ الشُّبَّانِ ، فَإِنَّهُمْ أَحَدٌ أَذْهَانًا وَ أَسْرَعُ حَدْسًا ، ثُمَّ رُدَّةٌ بَعْدَ ذَلِكَ إِلَى رَأْيِ الْكُهُولِ وَ الشُّيُوخِ لِي سَتَعْقِبُوهُ وَ يُحْسِنُوا الْاِخْتِيَارَ لَهُ ، فَإِنَّ تَجْرِبَتَهُمْ أَكْثَرُ»

هرگاه به مشورت نیازمند شدی ، نخست به جوانان مراجعه نما، زیرا آنان ذهنی تیزتر و حدسی سریع‌تر دارند . سپس (نتیجه) آن را به نظر میانسالان و کهنسالان برسان تا عاقبت آن را بسنجند و راه بهتر را انتخاب کنند، چرا که تجربه آنان بیشتر است.

این نشون می‌دهد که حضرت به ویژگی جوان احاطه داشته و مدنظر ایشان بوده در انتخاب کارگزاران این‌ها مد نظر بوده است

اگر بخواهیم به متن مقاله با همین عنوان در فصلنامه علوم سیاسی شماره ۸۵ چاپ شده پردازیم این پژوهش کار کاملاً مبتکرانه و نوآورانه بوده ولی به منابع و آثار پژوهشی توجه داشته
این کار کاملاً جدید بوده ولی با تکیه بر منابع دست اول طبقات انجام گرفته است و از دو کتاب (اصحاب امیر المومنین علیه السلام و الرواۃ عنه نوشته محمد هادی امینی) و (سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب امیر المومنین علیه السلام نوشته حجه السلام و المسلمین علی اکبر ذاکری) بهره زیاد برده است.

سن جوانی در این پژوهش برپایه روایات، روان شناسی و لغت ۲۰-۴۰ سال جامعه آماری به صورت تصادفی ولی مشکل تشخیص سن در منابع در این مقاله با طرح راهکارها ۱۳ گانه در مسیر تشخیص سن، تعداد ۲۹ نفر جوان و ۳۸ نفر میانسال و کهنسال ۲۶ نفر نامشخص، از مجموع ۹۳ نفر مشخص گردند
پژوهش برپایه تعداد انتصاب افراد نه تعداد افراد

مجموع انتصاب ها که ایشان در دوران حکومت انجام داده اند، لذا ۹۳ نفر دارای ۱۳۶ انتصاب جامعه آماری می باشد که از این بین ۴۲ انتصاب (۳۱٪) مخصوص جوانان می باشد. که در همه بخش های حکومتی (فرمانداری ۴۵٪، امور دارایی ۲۴٪، امور نظامی و انتظامی ۱۴٪، امر قضاوت ۵٪) مشارکت داده شده اند که حضور جوانان در فرمانداری با ۱۹ انتصاب در تمامی مناطق پنجگانه جهان اسلام (مرکزی، غربی، جنوبی، شرقی، شمالی)، بیشترین درصد مشارکت آنها را از بین دیگر بخش ها دارد.

فرمانداری (۱۹ انتصاب جوانان):

مرکزی (مخالفین، غارات مکرر): از مجموع ۲۲ انتصاب در بخش مرکزی ۲ انتصاب (۹٪) مشارکت جوانان بوده
غربی (غارات مکرر): در بخش غربی ۴ انتصاب و (۲۲٪) در این منطقه بوده است. جوان از میان ۱۸ انتصابی که حضرت در قسمت غربی انجام داده اند در مقایسه با انتصاب ۵ حکمران میانسال و کهنسال (۴۲٪) نشان دهنده اهمیت حضور آنها به دلایلی از جمله، روحیه جنگ آوری و فعال آنها در حفظ و امنیت منطقه می باشد.

جنوبی (عثمانی، غارات مکرر، حرمین، مخالفین): ۷ انتصاب (۳۹٪) مربوط به بخش جنوبی می باشد که بیشترین حضور را در بین مناطق دیگر نشان می دهد؛ از این میان فرمانداران یمن، صنعا و جند همگی جوان بوده اند.

شرقی (آرامش، ارتداد نیشابور، قیام در کرمان): انتصاب ۴ جوان از بین ۱۶ انتصاب امام علی علیه السلام میزان (۲۲٪) از مشارکت دادن جوانان در این بخش حکومت را نشان می دهد

شمالی (آرامش، یک نوبت غارات) تنها یک انتصاب (۶٪) از میان ۱۶ انتصاب جوانان در مسئولیت فرمانداری مورد گزارش مورخان قرار گرفته است. منطقه آذربایجان و حلوان که کاملاً دارای امنیت بوده، حضور افراد میانسال را در خود نشان می

دهد. رویش خوارج در نهروان و ایجاد نا امنی در منطقه سبب شد حضرت، عبدالله بن خباب بن ارت را به منطقه اعزام نمایند

نتیجه: سخنان حضرت درباره روحیه فعال جوان در مقابل روحیه مشاوره ای افراد میانسال و کهنسال، واکنش امام به سازش قیس با مخالفین، حضور بیشتر جوانان در مناطق غربی، جنوبی و شرقی (در مناطق ناآرام)، نشان دهنده توجه به قشر جوان و به کارگیر آنها در پست های کلیدی و مهم این بخش ها است.

در بخش نظامی (جند) وانتظامی (شرطه) ۶ انتصاب جوان

در این بخش از میان ۲۰ انتصاب به کارگیری جوانان در امنیت شهری و فرماندهی جنگ ها به نحو برابری با قسم میان سال و کهنسال بوده تا جنبه تکمیل کنندگی جنگ اوری و قدرت در کنار تجربه را نشان دهد

در بخش قضایی ۲ انتصاب جوان از میان ۳ انتصاب (*)

این بخش به دلیل اهمیت جایگاه و اینکه در بخش های مختلف توسط فرمانداران انتخاب می شده تعداد کم بوده که از میان سه انتصاب صورت گرفته ۲ انتصاب ان برای جوانان بوده که علی رغم کنار زدن عجز بودن جوان، قدرت تشخیص و داوری آن ها را نشان دهد.

در بخش نهاد دارایی (خزانه داری، دیوان خراج و جزیه، دیوان صدقات و زکات) ۱۰ انتصاب

در این بخش که ۲۶ انتصاب بوده است ۲۰ نفر گروه سنی مشخص داشته که به طور مساوی از دو گروه سنی جوان و میانسال تشکیل شده است. و از این بین در خزانه داری (۶۰٪) مشارکت جوان ها بیشتر بوده است.

در بخش کاتبان و دبیران (دبیران عام و دبیران خاص سری) ۴ انتصاب از ۵ انتصاب *

از میان ۵ انتصاب ۴ (۸۳٪) انتصاب آن در استفاده از جوانان بوده است

نتیجه که این موارد را بررسی کرده

در حکومت حضرت جوان بودن مانع از انتصاب جوانان به مسئولیت های کلان حکومتی نمی شده. بلکه حضور جوانان در کنار گروه سنی میانسال و کهنسال در تمام بخش های حکومت سبب آموزش جوانان شده که رشد و پویایی حکومت را نتیجه می دهد لذا با الگو گرفتن از حکومت امیر مومنان علیه السلام این دورکن در کنار یکدیگر ضامن بقای حکومت می باشند و برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی ضروری است که گسستی در مسئولیت ها بین این دو نسل وجود نداشته باشد.

بحث بعدی که ضمیمه به این کار شد ملاک های انتخاب حضرت بود که جنبه ایجابی این مطالعه هست

ملاک ها و معیارهای مسئولیت ها از منظر امام علی علیه السلام رو در دو بخش نظری و مطالعات عملی بررسی کرده

ملاک های نظری که توصیه حضرت به کارگزاران در بخش های مسئولیت های مختلف داشته اند

وزیران و فرمانداران: به عنوان مثال سوء سابقه داشته و قبلاً در خدمت بدکاران و حکام ستمگر بوده باشند، بلکه باید از افراد خوشنام، دارای قدرت تفکر و رأی، صراحت بیان در حق‌گویی، و کسانی که ستمکاران را یاری نکرده باشند، انتخاب گردند
قضاوت: برترین فرد در علم قضا، پرحوصله و صبور، اشتباه‌پذیر، اهل بررسی و تحقیق، دارای مناعت طبع، محتاط در شبهات، خستگی‌ناپذیر، پی‌گیر، شکیبایی. قاطع در فصل خصومت، استحکام اراده و ثبات رأی.

دبیران: صالح باشند، روحیه تجاوزگری و سرکشی نداشته باشند، گستاخ و بی‌حیا نباشند، در انجام وظایف محوله کوتاهی نکنند، فراموشکار نباشند، در تنظیم قرارداد سستی نورزند، منزلت و قدر خود را بشناسند، امانتدار باشند، آثاری نیکو در میان مردم به جا گذاشته باشند

امور مالی: امانت‌داری، رعایت انصاف در روابط با مردم. شکیبایی و عدم توسل به خشونت و شکنجه برای وصول مالیات دست‌درازی نکردن به اموال مردم

نظامی و انتظامی: خیرخواه، پاکدامن، شکیبیا، صبور، عذرپذیر، رحیم بر ناتوان، شدید بر اقویا، عدم تجاوز هنگام شدت عمل، عدم سستی هنگام ناتوانی، اصالت خانوادگی، پارسایی خانواده، سوابق نیکو، دلاوری و سلحشوری و بخشندگی، شخصیت متین و موجه، مهربان، یاری‌گر سربازان، ...

این در بحث نظری بود ولی در گزارش‌های تاریخی آنچه ثبت شده با کاستی‌هایی مواجه بوده ولی این ملاک‌ها را می‌توان در میان انتصاب جوانان پیدا کرد

معیارهای عمومی انتخاب کارگزاران که مطالعه آن بر روی افراد جوان بوده است
۱. مورد اعتماد امام و یا سایر کارگزاران بودن

محمد بن ابی‌بکر، فرماندار مصر و فرمانده نظامی جنگ جمل (لَقَدْ كَانَ إِلَيَّ حَبِيبًا، وَكَانَ لِي رَيبِيًّا)
عمر بن ابی‌سلمه فرماندار بحرین (فَإِنَّكَ مِمَّنْ أَسْتَظْهِرُ بِهِ عَلَيَّ جِهَادِ الْعَدُوِّ)

وهب بن عبد الله سوانی کارگزار امور دارایی و امور انتظامی (کان یحبه و یثق إلیه، حضرت اون رو وهب الخیر، و وهب الله ایضاً)

عبد الله بن عباس فرماندار بصره (فَیْمَا اتَّمَمْتُكَ عَلَیْهِ، وَاسْتَرْعَيْتُكَ إِيَّاهُ)

زیاد بن ابیه فرماندار فارس و کرمان (عند ما امتنع أهل فارس و کرمان اخراج سهل بن حنیف، استشار الإمام علیه السلام أصحابه لإرسال رجل مدبر و سیاسی إلیهم، فاقترح ابنُ عباس زیاداً و أكد جاریةً بن قدامة هذا الاقتراح)
۲. خیر خواهی نسبت به امام جامعه و مردم

ابو اسود دوئلی قاضی و فرماندار بصره = (فمثلک نصح الإمام و الامّة)

کمیل بن زیاد نخعی، فرماندار جزیره = (وقد أحسنت النّظرَ للمُسلمین و نصّحتَ إمامک)

محمد بن ابی بکر، فرماندار مصر و فرمانده نظامی جنگ جمل (فَعِنْدَ اللَّهِ نَحْتَسِبُهُ وَلَدًا نَاصِحًا)

۳. اهل ورع و تقوا و امانت داری

عبد الله بن عباس ، فرماندار بصره و شام (فَإِنِّي أَرْجُو أَنْ أُجِدَّهُ عَفِيفًا تَقِيًّا وَرِعًا، وَإِنِّي لَمْ أُؤَلِّهِ عَلَيْكُمْ، إِلَّا وَأَنَا أَظُنُّ ذَلِكَ بِهِ)

عبد الله بن خباب بن ارت ، فرماندار نهروان و.. (عَمِلَ لِلْحِسَابِ وَقَنَعَ بِالْكَفَافِ وَرَضِيَ عَنِ اللَّهِ)

ابو اسود دوئلی قاضی و فرماندار بصره = (أدى الأمانة)

۴. صلابت و قدرت مقابله در برابر دشمن و دفع فتنه ها

محمد بن ابی بکر، فرماندار مصر و فرمانده نظامی جنگ جمل (وسيفاً قاطعاً وركناً دافعاً)

زیاد بن ابیه

۵. توانایی لازم برای انجام مسئولیت

عمر بن ابی سلمه فرماندار بحرین (فَإِنِّي قَدْ وَلَّيْتُ التُّعْمَانَ بْنَ عَجْلَانَ الزُّرْقِيَّ عَلَى الْبَحْرَيْنِ، وَنَزَعْتُ يَدَكَ بِلَا دَمٍ لَكَ، وَلَا

تَثْرِيْبٍ عَلَيْكَ، فَلَقَدْ أَحْسَنْتَ الْوِلَايَةَ، وَأَدَيْتَ الْأَمَانَةَ، فَأَقْبِلْ غَيْرَ ظَنِينٍ، وَلَا مَلُومٍ، وَلَا مُتَّهَمٍ، وَلَا مَأْتُومٍ)

عبید الله و علی بن ابی رافع کاتب و خزانه دار امام (دارای کتاب و اهتمام به ثبت وقایع و توانایی حفظ (وقعه الصفین ص

۴۷۱ و الجمل ۳۹۵)

۶. دانستن فقه و آگاهی از موازین اسلامی

قُتْمُ بْنُ عَبَّاسٍ فَرْمَانْدَارِ مَكَّةَ (نامه ۶۷) حضرت وی را توصیه به قرار دادن زمانی برای پاسخ به سوالات اعتقادی و دینی حجاج

می کنند

عبد الله بن عباس ، فرماندار بصره و شام که آگاه به تفسیر قران و فقه بوده (الإصابة، ابن حجر العسقلاني، ج ۳، ص: ۸۸)

۷. راهنمایی کننده مردم به حق

ابو اسود دوئلی قاضی و فرماندار بصره (دلّ علی الحقّ)

۸. کوشا و فعال بودن در کارها

محمد بن ابی بکر، فرماندار مصر و فرمانده نظامی جنگ جمل (عاملاً كادحاً)

عبد الله بن خباب بن ارت ، فرماندار نهروان و... (يَرْحَمُ اللَّهُ خَبَابَ بْنَ الْأَرْثِ فَلَقَدْ أَسْلَمَ رَاغِبًا وَ هَاجَرَ طَائِعًا وَ عَاشَ مُجَاهِدًا)

۹. حق مداری و حق گرایی

محمد بن ابی حذیفه قریشی (در جریان اعتراض به کنیل خود عثمان)

۱۰. خوش نامی ویا دارا بودن اصالت خانوادگی

محمد بن ابی حذیفه قریشی = فرماندار مصر (روایت امام علی علیه السلام که وی جزء چهار نفر خوش نام است) (رجال الکشی - إختيار معرفة الرجال، النص، ص: ۷۰)

منذر بن جارود فرماندار فارس و کرمان = (فإنَّ صَلَاحَ أَيْبِكَ غَرَّنِي مِنْكَ... نامه ۷۱)

فرزندان عباس بن عبد المطلب در میان مردم مکه و مدینه

عبید الله بن عباس فرماندار صنعا (شهرت به سخاوت) (مروج الذهب ج ۳ ص ۱۶۲)

جعده بن هبیره = فرماندار خراسان و سجستان، (كان لجمعدة شرف عظیم في قریش، و كان له لسان)

لذا آنچه در این قسمت بدست میاد این است که در گزارش های تاریخی انتصاب جوانان که ۳۱ درصد از کارگزاران حضرت را تشکیل می داده با ملاحظه گزارش های موجود، دیده میشود که حضرت با شناختی که از ویژگی های جوانان داشته اند، از این گروه سنی با همان ملاک و معیارهایی که برای هر بخش مشخص می کرده اند، جوانان را در آن مسئولیت به کار گرفته اند و این الگویی است که امروزه سهم جوانان در مناصب دولتی و حکومتی و علمی را مشخص می کند. جوانان که مشکل اشتغال آنها بحث بسیار جدی است و وقایع اخیر ایران هم تایید کننده ضرورت به کار گرفتن اونها است،،، راه حل آن استفاده از جوانان شایسته در مراکز علمی و در مناسبت حکومتی می باشد. و سلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

تمام

نام جوانان با توجه به صنف

استانداران و فرمانداران (۷۰ نفر)

مکه (۴ نفر)

قثم بن عباس (مکه)

آشنایی با احکام و فقه لذا امیر الحاج شد و حضرت در نامه می گوید به مسائل فقهی مردم رسیدگی کن (فیض نامه ۶۷ ص ۱۰۶۳) کان قثم ورعاً فاضلاً (طبقات ابن سعد ج ۷ ص ۳۶۷) کلا گذاشتن فرزندان عباس برای اینکه عباس در مکه دارای وجاهت بوده و مورد اعتماد امام.

معبد بن عباس (مکه)

مکه و قتل بافریقیة کما تقدم ذکره آنفا (ذخائر العقبی، محب الطبري ۲۳۹)

مدینه (۶ نفر)

تمام بن عباس (مدینه)

(ذخائر العقبی، محب الطبري ۲۳۹ الفصل الثامن فی ذکر تمام بن عباس ص: ۲۳۹)

کوفه (۶ نفر)

بصره (۳ نفر)

عبد الله بن عباس

گذشت (* اهل عفت و تقوا و ورع بودن - نامه امام به اهل بصره) فَاتَّقِ اللَّهَ، فِيمَا ائْتَمْتُنَّكَ عَلَيْهِ، وَاسْتَرَعَيْتَكَ إِيَّاهُ (اینکه از عشیره امام که مورد اعتماد امام بود به نظر می رسد - امام و ابن حجر عسقلانی) * (*دانستن فقه و احکام الهی)

(اسد الغابه ج ۳ ص ۱۹۳ و سیر اعلام النبلاء ج ۳ ص ۳۳۲)

فقیه بود (اسد الغابه ج ۳ ص ۱۹۵) (*دانستن فقه و احکام الهی)

ابو الاسود دؤلی

و قد جعله الإمام عينا له - فيما يقول المؤرخون - و كتب له الإمام ما يلي: أما بعد، فمثلك نصح الإمام و الأئمة، و أدى الأمانة، و دلّ على الحقّ، و قد كتبت إلى صاحبك - يعني ابن عباس - فيما كتبت إليّ فيه من أمره، و لم اعلمه أنّك كتبت إليّ، فلا تدع إعلامي بما يكون بحضرتك ممّا التّنظر فيه للأئمة صلاح، فإنّك بذلك جدير، و هو حقّ واجب عليك، و السّلام (موسوعة علي بن أبي طالب (ع)، القرشي، ج ۱۰، ص: ۱۲۷) (مكاتيب الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص: ۱۳۱) (نصح و

خير خواهی برای امت، اعتماد کامل امام به او، امانت داری، راهنمای به حق) * در زمانی که ابن عباس به جنگ صفین رفت او را به جای خود در بصره گذاشت

مصر (۴ نفر)

محمد بن ابی حذیفه قریشی (مصر)

بعد شهادت پدر در بدر تحت کفالت عثمان بده است و عثمان او را به خانه خود برد و از جمله کسانی بود که وقتی بد رفتاری عثمان و عمال او را دید در زمره مخالفان وی در آمد . و با امام علی ع تا پای جان بیعت کرد (اسد الغابه ج ۴ ص ۳۱۶) کان من خيار المسلمين (أصحاب أمير المؤمنين عليه السلام و الرواة عنه ج ۲ ۵۱۷) حَدَّثَنِي نَصْرُ بْنُ صَبَّاحٍ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو يَعْقُوبَ إِسْحَاقُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيُّ، قَالَ حَدَّثَنِي أَمِيرُ بْنُ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا (ع) قَالَ، كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) يَقُولُ: إِنَّ الْمَحَامِدَةَ تَأْتِي أَنْ يُعْصَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ، قُلْتُ وَ مِنَ الْمَحَامِدَةِ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ، وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي حُدَيْفَةَ، وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) أَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي حُدَيْفَةَ هُوَ ابْنُ عُتْبَةَ بْنِ رَبِيعَةَ وَ هُوَ ابْنُ خَالِ مُعَاوِيَةَ. (رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال، النص، ص: ۷۰)

(*حق مدار بودن که سبب جسارت بر مخالفت با کفیل خود عثمان شد. از بهترین مسلمانان. دارای صفات نیکو در سخن امام)

محمد بن ابی بکر (مصر)

ثُمَّ اَعْلَمَ يَا مُحَمَّدُ، أَنِّي وَلِيِّتِكَ أَعْظَمَ أَجْنَادِي فِي نَفْسِي أَهْلِ مِصْرَ

تزوج أمير المؤمنين (عليه السلام) بأمه، و نشأ تربية صالحه (أصحاب أمير المؤمنين عليه السلام و الرواة عنه ج ٢ ص ٥١٤) (الإصابة، ابن حجر العسقلاني ج ٦ ١٩٤) (أنساب الأشراف، البلاذري ج ٢ ٣٩٢ أمر مصر في خلافة علي ص : ٣٨٧) (*از تربیت صالحی برخوردار و مورد اعتماد امام بود) (*اهل جهاد و کوشش ولی نه مقداری که مصر را بتواند حفظ کند) (دارای صفات نیکو در سخن امام) (رجال الکشی - إختيار معرفة الرجال، النص، ص: ٧٠)

ر.ک گذشته (*ناصح بودن برای امام، اهل کار و مجاهدت، مبارز و دفاع کننده از اسلام- وصف امام)

یمن و صنعا و جنده (٤ نفر)

سعید بن نمران (جنده) همدان ناعطی

من علیّ امیرالمؤمنین الی عبیدالله بن العباس و سعید بن نمران سلام الله علیکما، فاتیّ أحمد الیکما الله لا الا هو. اما بعد فانه اتانی کتابکما تذکران فیہ خروج هذه الخارجة، و تعظمان من شأنها صغیراً، و تكثران من عددها قليلاً، و قد علمت أنّ نخب أفندتکما و صغر أنفسکما و شتات رأيکما و سوء تدبيرکما، هو الذی أفسد علیکما من لم یکن فاسداً، و جرّاً علیکما من کان عن لقائکما جباباً. فاذا قدم رسولی علیکما فامضیا الی القوم حتّی تقرء علیهم کتابی، و تدعواهم الی حظّهم و تقوی ربّهم فان أجابوا حمدنا الله و قبلناهم و ان حاربوا استعنا بالله علیهم و نابذناهم علی سواء، انّ الله لایحبّ الخائنین. (٣١١)

این نامه است از علی، امیرالمؤمنین، به عبیدالله بن عباس و سعید بن نمران، درود خدا بر شما باد! من و شما خداوندی را ستایش می کنیم که جز او معبود بحقّی نیست. اما بعد: نامه شما به من رسید. در آن، شورش گروهی از افراد را یادآوری نموده بودید و کار کوچک آنها را بزرگ و عدد کم آنها را زیاد جلوه داده بودید و به خوبی من دانستم که ترس قلبی شما، کوچکی نفستان، مختلف بودن نظر شما تدبیر بدتان چیزی است که افراد غیر مخالف را مخالف شما ساخته و افرادی را که از شما می ترسند جرأت داده است. هر زمان که فرستاده من آمد، به سوی آنها بروید و نامه مرا برای آنها بخوانید و آنها را به وظیفه و تقوای الهی دعوت نمایید. پس اگر پاسخ مثبت دادند، ما خدا را شکر نموده، از آنها می پذیریم و اگر جنگ کردند، از خداوند کمک می طلبیم و همان گونه با آنها مبارزه می کنیم. خداوند خائنین را دوست ندارد. از نامه حضرت به خوبی استفاده می شود که این دو کارگزار از خود ضعف نشان دادند و نتوانستند منطقه خود را با روش صحیح اداره کنند و از این رو باعث شورش مردم گردیدند. و نیز از جنگ با بسر بن ارتات فرار کردند

عبید الله بن عباس (صنعا)

شهرت به سخاوتمندی داشت (مروج الذهب ج ٣ ص ١٦٢) (*سخاوت داشتن)

من علیّ امیرالمؤمنین الی عبیدالله بن العباس و سعید بن نمران سلام الله علیکما، فاتیّ أحمد الیکما الله لا الا هو. اما بعد فانه اتانی کتابکما تذکران فیہ خروج هذه الخارجة، و تعظمان من شأنها صغیراً، و تكثران من عددها قليلاً، و قد علمت أنّ نخب أفندتکما و صغر أنفسکما و شتات رأيکما و سوء تدبيرکما، هو الذی أفسد علیکما من لم یکن فاسداً، و جرّاً علیکما من

كان عن لقائكما جباباً. فاذا قدم رسولي عليكما فامضيا الى القوم حتى تقرءا عليهم كتابي، و تداعواهم الى حظهم و تقوى ربهم فان اجابوا حمدنا الله و قبلناهم و ان حاربوا استعنا بالله عليهم و نابذناهم على سواء، ان الله لا يحب الخائنين. (۳۱۱)

این نامه است از علی، امیرالمؤمنین، به عبیدالله بن عباس و سعید بن نمران، درود خدا بر شما باد! من و شما خداوندی را ستایش می کنیم که جز او معبود بحقّی نیست. اما بعد: نامه شما به من رسید. در آن، شورش گروهی از افراد را یادآوری نموده بودید و کار کوچک آنها را بزرگ و عدد کم آنها را زیاد جلوه داده بودید و به خوبی من دانستم که ترس قلبی شما، کوچکی نفستان، مختلف بودن نظر شما تدبیر بدتان چیزی است که افراد غیر مخالف را مخالف شما ساخته و افرادی را که از شما می ترسند جرأت داده است. هر زمان که فرستاده من آمد، به سوی آنها بروید و نامه مرا برای آنها بخوانید و آنها را به وظیفه و تقوای الهی دعوت نمایید. پس اگر پاسخ مثبت دادند، ما خدا را شکر نموده، از آنها می پذیریم و اگر جنگ کردند، از خداوند کمک می طلبیم و همان گونه با آنها مبارزه می کنیم. خداوند خائنین را دوست ندارد. از نامه حضرت به خوبی استفاده می شود که این دو کارگزار از خود ضعف نشان دادند و نتوانستند منطقه خود را با روش صحیح اداره کنند و از این رو باعث شورش مردم گردیدند. و نیز از جنگ با بسر بن ارتات فرار کردند. و نیز از جنگ با بسر بن ارتات فرار کردند

سعید بن سعد انصاری ساعدی

(*ثقه و مورد اعتماد بودن) (الإصابة، ابن حجر العسقلاني، ج ۳، ص: ۸۸)

نهروان، فرات، بهر سیر (۴ نفر)

عبد الله بن خباب بن ارت

وَقَالَ ع فِي ذِكْرِ [خَبَابٍ] خَبَابِ بْنِ الْأَرْتِّ [رَحِمَ] يَرْحَمُ اللَّهُ خَبَابَ بْنَ الْأَرْتِّ فَلَقَدْ أَسْلَمَ رَاغِباً وَ هَاجَرَ طَائِعاً وَ [عَاشَ مُجَاهِداً طُوبَى لِمَنْ ذَكَرَ الْمَعَادَ وَ عَمِلَ لِلْحِسَابِ وَ قَنِعَ بِالْكَفَافِ وَ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ] قَنِعَ بِالْكَفَافِ وَ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ وَ عَاشَ مُجَاهِداً)
*دارای صفات پسندیده، زندگی جهادی داشتن، قناعت داشتن)

شام (۲ نفر)

عبد الله بن عباس

قبول نکرد و ترس از معاویه و شامیان داشت لذا بیشتر فقاهت و اینکه از عشیره امام که مورد اعتماد امام بود به نظر می رسد* (الإصابة، ابن حجر العسقلاني، ج ۳، ص: ۸۸) فَاتَّقِ اللَّهَ، فِيمَا اِتَّمَنْتُكَ عَلَيْهِ، وَاسْتَرْعَيْتُكَ إِيَّاهُ (اینکه از عشیره امام که مورد اعتماد امام بود به نظر می رسد - امام و ابن حجر عسقلانی)

(* اهل عفت و تقوا و ورع بودن - نامه امام به اهل بصره) (*دانستن فقه و احکام الهی)

مدائن (۶ نفر)

جزیره (۵ نفر)

کمیل ابن زیاد نخعی

وقد أَحْسَنْتَ النَّظَرَ لِلْمُسْلِمِينَ وَنَصَحْتَ إِمَامَكَ، وَقُدِّمًا كَانَ ظَنِّي بِكَ ذَلِكَ، فَجَرِبْتَ وَالْعَصَابَةَ الَّتِي نَهَضْتَ بِهِمْ إِلَى حَرْبِ عَدُوِّكَ خَيْرَ مَا جُزِيَ الصَّابِرُونَ وَالْمَجَاهِدُونَ. مكاتيب الأئمة عليهم السلام، ج ٢، ص: ١٢٣ (*اهل خير خواهی برای مسلمانان و امام علیه السلام)

مردی شجاع و عابد و عالم و مورد اعتماد امام (الاختصاص ١٠٨ و الاصابه) ذهبی می نویسد فردی مطاع و متعبد و شریف بود. در کار خود ضعف نشان می داد، زیرا مأمورین معاویه به اطراف عراق یورش می بردند و او فرار کرد مانند عبید الله و... حضرت امیر(ع) او را از حمله بدون اجازه نهی کرد؛ در عین این که از خدمات او قدردانی نمود.
بحرین، عمان، اهواز(٥ نفر)

عمر بن ابی سلمه

إعلام الوری، الطبرسی ج ١ ٢٧٧ الفصل الأول في ذكر أزواجه وأولاده صلوات الله عليه وآله ص: ٢٧٤ الإصابة، ابن حجر العسقلاني ج ٤ ٤٨٧ - ٥٧٥٦ - عمر بن أبي سلمة: ص: ٤٨٧. «أَمَّا بَعْدُ، فَإِنِّي قَدْ وَلَّيْتُ النَّعْمَانَ بْنَ عَجْلَانَ الرَّزْقِيَّ عَلَى الْبَحْرَيْنِ، وَنَزَعْتُ يَدَكَ بِلَا ذَمِّ لَكَ، وَلَا تَثْرِيْبٍ عَلَيْكَ، فَلَقَدْ أَحْسَنْتَ الْوِلَايَةَ، وَأَدَّيْتَ الْأَمَانَةَ، فَأَقْبِلْ غَيْرَ ظَنِينٍ، وَلَا مَلُومٍ، وَلَا مُتَمَهِّمٍ، وَلَا مَأْتُومٍ، فَلَقَدْ أَرَدْتُ الْمَسِيرَ إِلَى ظَلَمَةِ أَهْلِ الشَّامِ، وَأَحْبَبْتُ أَنْ تَشْهَدَ مَعِي، فَإِنَّكَ مِمَّنْ أَسْتَظْهِرُ بِهِ عَلَى جِهَادِ الْعَدُوِّ، وَإِقَامَةِ عُمُودِ الدِّينِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» مكاتيب الأئمة عليهم السلام، ج ١، ص: ٣٢١ (دریافت نامه)(*مورد اعتماد و کسی که می توان به او در جهاد تکیه کرد)

فارس و کرمان(٦ نفر)

منذر بن جارود(بشر عبدی)

«أَمَّا بَعْدُ؛ فَإِنَّ صَلَاحَ أَبِيكَ غَرْنِي مِنْكَ، فَإِذَا أَنْتَ لَا تَدَعُ انْقِيَادًا لِهَوَاكَ أَرَى ذَلِكَ بِكَ، بَلَّغْنِي أَنَّكَ تَدَعُ عَمَلَكَ كَثِيرًا، وَتَخْرُجُ لَاهِيًا بِمَنْبَرِهَا، تَطْلُبُ الصَّيْدَ، وَتَلْعَبُ بِالْكَلابِ، وَأُقْسِمُ لِيْنِ كَانَ حَقًّا لِنَنْيَبَتِكَ فِعْلَكَ، وَجَاهِلُ أَهْلِكَ خَيْرٌ مِنْكَ، فَأَقْبِلْ إِلَيَّ حِينَ تَنْظُرُ فِي كِتَابِي، وَالسَّلَامُ».

خبر به حضرت رسید حضرت علت انتخاب او را بیان می کنند که نیکویی پدرت مرا فریب داد و گمان بردم که از پدر خود پیروی کنی (نامه ٧١ نهج البلاغه) یعقوبی می نویسد بعد نامه به کوفه آمد و منکر اختلاص شد و پول را پس نداد. حضرت او را زندانی کرد (یعقوبی ج ٢ ص ٢٠٤) (* اعتماد بر مدار پدر و جایگاه و درستکاری پدر)

مصقله بن هبیره شیبانی

از جانب عبد الله بن عباس که والی بصره بود انتخاب شد (طبری ۵ ص ۱۲۶) بی‌تأمل را بین اقوام خود پخش کرد که از طرف حضرت مورد مواخذه قرار گرفت (نامه ۴۳ نهج البلاغه) مصقله منکر شد و امام به ایشان اعتماد نمود (یعقوبی ج ۲ ص ۲۰۱) (*اعتماد به انتخاب کارگزاران)

زیاد بن ابیه

امام علی به پیشنهاد ابن عباس و تأیید جاریه بن قدامه او را در فارس و کرمان قرار داد چراکه کرمان و فارس دچار فتنه شده بود و او فتنه را سرکوب کرد. (الکامل فی التاریخ . ج ۲ ص ۴۲۹ حوادث ۳۹) (*اعتماد به یاران ، قدرت بر سرکوب کردن فتنه ها و اهل سیاست و مدبر بودن) و کان کاتباً «۸» و مستشاراً «۹» لابن عباس فی البصرة أيام خلافة الإمام أمير المؤمنين عليه السلام. و لما توجه ابن عباس إلى صفين جعله على خراج البصرة و ديوانها و بيت مالها. «۱» و عند ما امتنع أهل فارس و کرمان من دفع الضرائب، و طردوا واليهم سهل بن حنيف، استشار الإمام عليه السلام أصحابه لإرسال رجل مدبر و سياسي إليهم، فاقترح ابن عباس زياداً «۲»، و أكد جارية بن قدامة هذا الاقتراح «۳». (مکاتیب الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص: ۱۷) اصفهان، ری، قزوین و همدان (۴ نفر)

خراسان و سجستان (۶ نفر)

جعده بن هبیره

(پسر خواهر حضرت علی ع فرزند ام هانی) الإصابة، ابن حجر العسقلانی ج ۱ ۶۲۸ ۱۲۶۸ - جعدة بن هبیره ص: ۶۲۸ (*خانواده و مورد اعتماد حضرت) کان لجعدة شرف عظیم فی قریش، و کان له لسان، من أحب الناس الى خاله علي بن أبي طالب عليه السلام (* جایگاه شریفی در قریش ، خطیب ، کسی که امام علی وی رو دوست داشت)

آذربایجان و حلوان (۵ نفر)

قضاوت و بازرسی (۳ نفر)

ابو اسود دؤنلی

ر.ک کارگزاری بصره : (نصح و خیرخواهی برای امت ، اعتماد کامل امام به او ، امانت داری، راهنمای به حق *)

رفاعه بن شداد بجلی (ابوعاصم کوفی)

شهرت به شجاعت داشت (* اعیان الشعیه ج ۷ ص ۳۱)

کاتبان و دبیران (۶ نفر)

عبید الله بن ابی رافع

عبیدالله کاتب و خزانه دار امام علی ع بود (وقعه الصفین ص ۴۷۱ و الجمل ۳۹۵) از *خواص و مورد اعتماد امام و حافظ اسرار و اهتمام وی به نوشتن حوادث و وقایع ، صاحب کتاب و اهل تصنیف (مکاتیب الأئمة عليهم السلام، ج ۱، ص: ۱۰۴)

علی بن ابی رافع

*خواص و مورد اعتماد امام و حافظ اسرار، صاحب کتاب و اهل تصنیف (مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۱، ص: ۱۰۴) من خیار الشیعة، كانت له صحبة مع أمير المؤمنين، و كان كاتباً له، و حفظ كثيراً، و جمع کتاباً فی فنون من الفقه: الوضوء، و الصلوة، و سائر الأبواب «۳». و كان علی بیت مال علیّ علیه السلام «۴»، و كان كاتبه «

السلام، ج ۱، ص: ۱۰۴)

سعید بن نمران همدانی ناعطی

ر.ک فرماندار و کارگزار حضرت در یمن

عبد الله بن جعفر

یزید بن شراحیل انصاری

امور دارایی (۲۵ نفر)

کارگزاران بیت المال و خزانه دار ها (۱۳ نفر)

عبید الله بن ابی رافع

*خواص و مورد اعتماد امام و حافظ اسرار (مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۱، ص: ۱۰۴)

علی بن ابی رافع

*خواص و مورد اعتماد امام و حافظ اسرار (مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۱، ص: ۱۰۴)

و هب بن عبد الله سوائی ((ابوجحیفه)

به و هب الخیر معروف بود (تنقیح المقال ج ۳ ص ۲۸۱) كان یحبه و یثق إلیه، و یسمیه و هب الخیر، و و هب الله أیضاً)

أسد الغابة، ج ۵، ص: ۴۸) (*اطمینان و اعتماد داشتن)

عبد الرحمن بن ابی بکره

با پدر خود در قسمت بیت المال بوده است (*اطمینان و اعتماد داشتن)

زیاد بن عبید (ابیّه)

این انتصاب از طرف عبد الله بن عباس بوده (*اعتماد به یاران، قدرت بر سرکوب کردن فتنه ها و اهل سیاسیت و مدبّر بودن

)

ابو اسود دوئلی

گذشت (نصح و خیرخواهی برای امت، اعتماد کامل امام به او، امانت داری، راهنمای به حق *)

کارگزاران جمع آوری خراج، جزیه، زکات و صدقات (۱۲ نفر)

مصعب بن يزيد انصاری

عبدالله ابن زمعه بن اسود

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، الخاتمة ج ۹، ص: ۱۲۵

أبوہ و محمد بن الحسن رضي الله عنهما، عن سعد ابن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن الحكم، عن إبراهيم ابن عمران الشيباني، عن يوسف « ۴ » بن إبراهيم، عن يحيى بن أبي الأشعث الكندي، عن مصعب بن يزيد الأنصاري، قال: استعملني أمير المؤمنين علي ابن أبي طالب (عليه السلام) على أربعة رساتيق « ۱ » المدائن « ۲ » و ذكر الحديث

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، الخاتمة ج ۵، ص: ۲۶۹

مسيب ابن نجبه فزاري

امور انتظامی (۵ نفر)

وہب بن عبدالله سوائی (ابو جحيفه)

گذشت کان يحبه و يثق إليه، و يسميه و هب الخير، و وهب الله أيضا (أسدالغابة، ج ۵، ص: ۴۸) (* اطمینان و اعتماد داشتن)

امور نظامی (۱۹ نفر)

جنگ جمل (۶ نفر)

عبد الله بن عباس

« يا مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ اسْتَخَلَفْتُ عَلَيْكُمْ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَبَّاسٍ، فَاسْمَعُوا لَهُ، وَأَطِيعُوا أَمْرَهُ، مَا أَطَاعَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، فَإِنْ أَحَدَثَ فِيكُمْ أَوْ زَاغَ عَنِ الْحَقِّ، فَأَعْلِمُونِي أَعَزَلُهُ عَنْكُمْ؛ فَإِنِّي أَرْجُو أَنْ أَجِدَهُ عَفِيفًا تَقِيًّا وَرِعًا، وَإِنِّي لَمْ أُولِهِ عَلَيْكُمْ، إِلَّا وَأَنَا أَظُنُّ ذَلِكَ بِهِ؛ غَفَرَ اللَّهُ لَنَا وَلَكُمْ » نامه امام به اهل بصره (* اهل عفت و تقوا و ورع بودن)

كُنْ عِنْدَ صَالِحِ ظَنِّي بِكَ، وَلَا يَفِيلَنَّ رَأْيِي فِيكَ (مكاتيب الأئمة عليهم السلام، ج ۱، ص: ۱۸۲) * اينکه از عشيره امام که مورد اعتماد امام بود به نظر می رسد* (الإصابة، ابن حجر العسقلاني، ج ۳، ص: ۸۸) (* دانستن فقه و احکام الهی - گفتار امام)

محمد بن ابی بکر

تزوج أمير المؤمنين (عليه السلام) بأمه، و نشأ تربية سالحة (أصحاب أمير المؤمنين عليه السلام و الرواة عنه ج ۲ ص ۵۱۴)

(الإصابة، ابن حجر العسقلاني ج ۶ ص ۱۹۴) (أنساب الأشراف، البلاذري ج ۲ ص ۳۹۲ أمر مصر في خلافة علي ص

: ۳۸۷) (* از تربيت صالحی برخوردار و مورد اعتماد امام بود)

«لَقَدْ كَانَ إِلَيَّ حَبِيبًا، وَكَانَ لِي رَبِيبًا، فَعِنْدَ اللَّهِ نَحْتَسِبُهُ وَلَدًا نَاصِحًا وَعَامِلًا كَادِحًا، وَسَيْفًا قَاطِعًا، وَرُكْنًا دَافِعًا» (نهج البلاغه و مكاتيب الأئمة عليهم السلام، ج ۱، ص: ۲۴۴) (*ناصح بودن برای امام، اهل کار و مجاهدت، مبارز و دفاع کننده از اسلام- وصف امام)

«أَمَّا بَعْدُ، فَقَدْ بَلَّغْنِي مَوْجِدَتِكَ مِنْ تَسْرِيحِ الْأَشْتَرِ إِلَيَّ عَمَلِكَ، وَإِنِّي لَمْ أَفْعَلْ ذَلِكَ اسْتِنْبَاءً لَكَ فِي الْجَهْدِ، وَلَا أَزْدِياداً لَكَ فِي الْجِدِّ، وَلَوْ نَزَعْتُ مَا تَحْتَ يَدِكَ مِنْ سُلْطَانِكَ، لَوَلِيْتُكَ مَا هُوَ أَيْسَرُ عَلَيْكَ مَوْوَنَةً، وَأَعْجَبُ إِلَيْكَ وَلَايَةً.» (*اهل جهاد و كوشش ولی نه مقداری که مصر را بتواند حفظ کند)

جنگ صفین (۸ نفر)

محمد حنفیه

عبد الله بن عباس

گذشت (* اهل عفت و تقوا و ورع بودن - نامه امام) (اینکه از عشیره امام که مورد اعتماد امام بود به نظر می رسد - ابن حجر عسقلانی)*

جنگ نهروان (۵ نفر)

پس از ارائه تفصیلی حجت الاسلام پردل، ناقد اول حجت الاسلام ذاکری در مقام طرح برخی اشکالات به بیان مطالب زیر پرداخت:

- موضوع مقاله موضوع بسیار خوبی است و به نظر من هنوز هم جای کار دارد.
- از زاویه ای که وارد بحث شدند بسیار ارزشمند و مفید هست و می تواند برای جامعه الگو باشد.
- همانطور که اشاره کردید، حضرت امیر در نهج البلاغه در کلمات قصار ۸۷ می فرماید که نظر و دیدگاه شیخ (کسی که سنی ازش گذشته است) برای من دوست داشتنی تر از عمل جوان است، حال شما وقتی این مقاله را تدوین میکنید و بحث جوانگرایی را مطرح می کنید و مواردی را هم می آورید، این کلام حضرت امیر کل مقاله شما را زیر سوال می برد.
- زمانیکه در رابطه با جوان و جوانگرایی صحبت می شود بایستی این تضاد به گونه ای مطرح و راه حل آن نیز آورده شود.
- بایستی ملاک ها را مطرح کرد و در مقاله به ملاک ها پرداخته نشده است، ملاک هایی را حضرت علی (ع) مطرح کرده و در نامه ای به مالک اشتر نوشته است، در این ملاک ها حضرت کاری نداشته که جوان باشد یا میان سال یا پیر، آنچه که برای حضرت مهم بوده است این ملاک ها هست.

• در سنن النبی جلد ۱۰ صفحه ۱۹۳ بیان می شود که چرا حضرت آن جمله در خصوص جوان و پیر و را فرموده است، که می گوید فردی خدمت حضرت رسید و گفت که پسر من را جانشینم کن که در اینجا حضرت آن جمله را فرمودند.

در ادامه جلسه، نوبت به ارائه مطالب و نقد ناقد دوم رسید که آقای باقری ضمن تمجید مطلب ارائه شده و اهمیت مقاله و ضرورت پرداختن به این مسئله، به موارد زیر پرداختند:

• عنوان بایستی بدون ابهام باشد، شایسته است که عنوان تغییر کند و یا ابهام های آن برطرف گردد.

• امروزه این بحث چه خروجی ای میتواند داشته باشد و چه شبهه ای را از جامعه ما می تواند حل کند.

• حکومت عدالت محور به انتخاب صرف جوان در بدنه یا کابینه دولت نیست، شایسته سالاری ملاکی است که امیرالمومنین به آن بهای لازم را داده است، چون تجربه فوق العلم و رای الشیخ احب الی من جلد الغلام.

• درست است که نیروی جوان با توجه به نشاط و آمادگی بیشتری دارد، می تواند کار را بهتر پیش ببرد، اما همیشه جوانگرایی جواب نداده است.

• امروزه میبینیم که در برخی کشورها مانند اوکراین، عربستان، فرانسه و ... جوان ها در راس هستند و مشغول فعالیت، الان وضعیت اوکران و عربستان و فرانسه را مشاهده می کنیم که بیشترین اعتراض ها متوجه سیاست های نپخته این هاست.

• ما نمیتوانیم این موضوع را بر حکومت امام علی(ع) تحمیل کنیم و بگوییم که اگر حضرت در برقراری عدالت اجتماعی موفق شد بدلیل این بود که از جوان ها بهره گرفته بود، این یک بحث شعاری است، زیرا حکومت بسیار حساس هست و باید افرادی که توانایی بالا و تجربه کافی دارند و میتوانند در بحران ها و سختی ها تصمیم های خردمندانه بگیرند در راس کار باشند.

• برای تحقق عدالت اجتماعی راه کارهای خاص خودش را میطلبد.

• آیا جوانگرایی در صورتیکه پیران کارآزموده و باتجربه وجود داشته باشند باز هم ارزش هست؟ اگر جوانی دارای تخصص و تعهد باشد مانند شهید طهرانی مقدم و شهید باقری و ... این مسئله قابل قبول هست.

• شما بیشتر سراغ کارگزاران رسمی رفتید در حالیکه جوان ها منحصر در این ها نیستند.

در انتهای جلسه نیز ضمن طرح پرسش های حضار و سایر مطالب طرح شده توسط ناقدین، ارائه دهنده به انتقادات و سؤالات پاسخ داده و با جمع بندی مدیر کرسی، جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل طاهرینش به پایان رسید.